

بازنمایی زنان در نمایش‌نامه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده

بهار حبیبی فزون آبادی

۴۰۱۱۳۲۰۱۱۰۵

استاد: نیلوفر زارع

دانشگاه هنر ایران



## فهرست

### مقدمه

### بخش اول

- معرفی میرزا فتحعلی آخوندزاده
- زندگی میرزا فتحعلی آخوندزاده

### بخش دوم:

- خلاصه‌ای از نمایشنامه‌ها و توضیحی از شخصیت‌های زنان
- دسته بندی زنان در آثار با توجه به تیپ‌های شخصیتی
- حقوق زنان در نظر آخوندزاده

### منابع

### پیوست

- ریز جزئیات هر شخصیت زن در نمایشنامه‌ها

## مقدمه

میرزا فتحعلی آخوندزاده، نخستین نمایشنامه‌نویس ایرانی، نقشی برجسته در تاریخ ادبیات و نمایش ایران ایفا کرده است. او نه تنها پایه‌گذار ادبیات نمایشی در ایران به شمار می‌آید، بلکه به باور بسیاری، یکی از نخستین نویسندگانی است که به مسائل زنان در جامعه پرداخته است. در نمایشنامه‌های او، زنان در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی به تصویر کشیده شده‌اند و این آثار می‌توانند نقطه شروعی برای بررسی جایگاه زنان در ادبیات و فرهنگ ایران باشند.

هدف این پژوهش، تحلیل نقش و جایگاه زنان در نمایشنامه‌های آخوندزاده و دسته‌بندی شخصیت‌های زن در این آثار است. این دسته‌بندی سپس با نظریات فمینیستی غربی مقایسه می‌شود تا از این طریق بتوان به درکی عمیق‌تر از نگاه آخوندزاده به مسائل زنان و تفاوت یا شباهت آن با دیدگاه‌های فمینیستی غربی دست یافت. این تحلیل، تلاشی است برای بررسی این پرسش که آیا آخوندزاده می‌تواند به عنوان یک پیشرو در طرح مسائل زنان در ایران در نظر گرفته شود و تا چه حد نگاه او به زنان با مفاهیم و اصول نظریات فمینیستی غربی هم‌خوانی دارد.

---

## بخش اول

### معرفی میرزا فتحعلی آخوندزاده

میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۲۸-۱۲۹۵) متفکر، منتقد اجتماعی ادبی، و نخستین نمایشنامه‌نویس ایرانی است که آثارش تأثیر چشمگیری بر تحول ادبیات نمایشی ایران داشته است. او با تأثیر از ادبیات و تفکر غربی، نمایشنامه را به عنوان ابزاری برای بازتاب مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمان خود به کار گرفت.

آخوندزاده نمایشنامه را نه تنها به عنوان یک هنر، بلکه به عنوان یک ابزار روشنگری می دید. او با نگاهی انتقادی به سنت‌ها، ساختارهای اجتماعی و روابط قدرت، سعی در بازنمایی چالش‌های جامعه ایران داشت. به نظر آخوندزاده تنها وجهه‌ی آموزشی نمایشنامه واجد اهمیت است و از آن به عنوان وسیله‌ای برای ترویج تفکر انتقادی یا "کریتیکا" استفاده می کرد. آثار او اغلب طنزآمیز و انتقادی است و موضوعاتی چون جهل، فساد، استبداد، خرافه، و تبعیض‌های اجتماعی را هدف قرار می دهد

### زندگی آخوندزاده

برای فهم بهتر ایده‌های او اشاره‌ای مختصر به زندگی‌ای او برای شناساندن بستری که او را به چنین ایده‌هایی رسانید مستلزم است. میرزا فتحعلی آخوندزاده در سال ۱۲۲۸ شهر نخو در خانواده‌ای مرفه زاده شد. پدرش میرزا محمد تقی بن حاجی احمد اهل تبریز، مادرش مراغه‌ای و پدر بزرگش، حاج احمد، اهل رشت بود. پدر و مادرش در اوایل کودکی‌اش از هم جدا شدند و او به همراه مادر و عموی مادری خود، حاج علی اصغر در اردبیل زندگی کرد.

آخوندزاده تحصیلات خود را با خواندن قرآن مکتب آغاز کرد و در ۱۹ سالگی در مدرسه دولتی مشغول به یادگیری زبان روسی شد.

در ۲۲ سالگی آخوندزاده به دلیل آشنایی با زبان فارسی، عربی و ترکی در مقام مترجم زبان‌های شرقی در خدمت حاکم روس در گرجستان مشغول به کار و از این طریق با نویسندگان گرجی و روس آشنا شد. در تفلیس، که در آن روزها کانون افکار جدید قفقاز بود، با محافل علمی و ادبی و نوگرا آشنا گشت و به این محافل رفت و آمد کرد. به سبب استعداد نویسندگی شروع به نوشتن نمایشنامه کرد. در واقع، زندگی در تفلیس در حیات و فعالیت ادبی او صفحه جدیدی گشود. آخوندزاده در مذاکرات و سفرهای دیپلماتی و دیدارهای سیاسی حضور می یافت؛ از روزنامه‌های مسکو و پترزبورگ و اخبار تفلیس بهره می گرفت و اینها باعث آشنایی‌اش با دانش غربی شد. به دنبال آشنایی با روشنفکران روس و گرجی به فکر فعالیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و از جمله گشودن مدرسه،

روزنامه، تئاتر و باسواد کردن مردم افتاد تا از این راه مردم را تربیت و با حقوق خود آشنا کرده و زنان را نیز به حقوق انسانی خویش مطلع سازد. او اعتقاد داشت ترقی شرق در صورت باسواد کردن مردم و تربیت ملت امکان پذیر است. او در محیط پرتحرک انتقاد ادبی و اجتماعی زمان خود پرورش یافت و با تفکر رئالیسم و ادبیات انتقادی غرب آشنا شد. زمینه کار تئاتر در تفلیس مناسب بود، بنابراین او از اوضاع و احوال گوناگون مردم آگاهی پیدا کرد و از این اطلاعات برای نوشتن صحنه های واقعی اجتماعی الهام گرفت و این عوامل او را به سوی نمایشنامه نویسی کشاند. در ۱۲۶۶ تا ۱۲۷۳ نمایشنامه های نوشت و پس از آن در سال ۱۲۷۹ برای تغییر رسم الخط فارسی تلاش کرد (رساله ی الفبای جدید)

در زمینه مسائل زنان، آخوندزاده را می توان از نخستین نویسندگانی دانست که به جایگاه و نقش زنان در جامعه توجه نشان داد. شخصیت های زن در نمایشنامه های او معمولاً بازتابی از نابرابری های جنسیتی، فشارهای اجتماعی و جایگاه زنان در ساختار سنتی خانواده و جامعه هستند. به مسایل زنان و مشکلات آنان در جوامع اسلامی پرداخته است. در واقع نمایشنامه های او محل فعالیت زن مدرن، زنی که پایبند به ارزش های دینی نباشد.

---

## بخش دوم

خلاصه ای از نمایشنامه های آخوندزاده و توضیحی از شخصیت های زنان

### وزیرخان لنکران

داستان از این قرار است که وزیر برای محکم کردن موقعیت خود تلاش می کند خواهرزن جوانش را به اسم نساخانم به عقد یکی از خان های محلی درآورد. در این بین فراز و نشیب رابطه ی او با دو همسرش و همچنین روابط نسا و معشوقه اش تیمور را می بینیم.

زیبا خانم: زیبا به عنوان زنی حسود، حساس، و احساساتی نشان داده می‌شود که تلاش دارد رابطه‌اش با وزیر را نزدیک‌تر کند. رفتار او با زنان دیگر حاکی از حسادت و رفتارش با وزیر سرشار از احساسات است. وی معتقد به عقاید سنتی، (حجاب، حیا، سلسله مراتب قدرت و...) است.

هرچند زیبا به عنوان "زن حسود و احساساتی" الگویی پسندیده از زن تلقی می‌شده در نمایشنامه به او موقعیت فروتر داده و اعمال او با دیده‌ای از تحقیر نمایش داده می‌شوند. پروتاگونیست داستان شعله است!

شعله: سوگلی شاه زنیست که با برنامه ریزی، دروغ، و "مکر" سعی بر جلو بردن کارها دارد. هرچند الگوی "زن مکار" در ادبیات فارسی غریبه نیست. اخوندزاده این زن را به عنوان شخصیتی مثبت معرفی کرده. شخصیتی که تماشای خواسته‌اش را می‌خواهد و با عقایدش موافقت می‌کند. تغییری تاثیر گذار که مکر و حيله را جایگزین "ذکاوت و زیرکی" می‌کند. به نظر نمی‌آید شعله درگیر ایده‌های سنتی تر مثل حجاب باشد و حتی رابطه‌اش با وزیر چیزی بیش‌تر از وظیفه به نظر نمی‌رسد.

نسا: نسا زن عاشقیست که مجبور شده به زور با کس دیگری ازدواج کند. هرچند این الگو رایج اسنت نمی‌توان این تغییر بنیادین در آن را نادیده گرفت. نسا نقش منفعل ندارد و همراه شعله تلاش می‌کند به تیمور برسد. حتی در مواقعی به تیمور نصیحت می‌کند کاری نکند که در خطر بیوفتد. هرچند مانند شعله با زیرکی از موانع مختلف می‌گذرد هنگام مواجهه با درخواست مستقیم وزیر با شهادت آن را رد کرده و حلقه را زمین می‌گذارد.

پری خانم: نام پری خانم مائر دخترها دو بار شنیده می‌شود. باری در مجلس دوم که دخترها از رفتن به اتاق او خودداری می‌کنند زیرا مادرشان نباید آن‌ها را با تیمو ببیند و باری در مجلس چهارم که مادر که ظاهراً بر همه چیز اگاه است به کمک آن‌ها آمده و با جادو آن‌ها را از موقعیت نجات می‌دهد. استفاده‌ی مادر از فال و جادو بر خلاف عقاید رایج می‌پردازد که جادو پدیده‌ایست مسخره در میان زنان. او از جادو و باور مردان نسبت به زنان به صورت حقه‌ای استفاده می‌کند و آن را ابزاری برای رسیدن به هدف قرار می‌دهد.

مجلس اول: در مجلس اول شاهد مکالمه وزیر در باب سفارش لباسی برای سوگلی اش هستیم. زیبا که دزدکی این مکالمه را شنیده از سر حسادت گلایه می کند و به شعله خانم تهمت خیانت می زند و اقرار می دارد که او را با تیمور دیده.

مجلس دوم: روابط تیمور با نسا و شعله را می بینیم. تیمور و نسا عاشق یک دیگرند ولی وزیر به دلیل تمایل به ارتباط نزدیکتر به خان تمایل دارد نسا را به همسری اش گرداند. شعله به ان دو کمک می کند. زیبا به اتاق شعله آمده تا او را به خاطر فحش دادن به کنیزش سرزنش کند که به خاطر شنیدن صدای تیمور پشت پرده قایم می شود. وزیر به سراغ شعله می رسد تا او را سرزنش کند که زیبا را می بیند و تیمور را. زیبا حقیقت را میگوید و شعله به دزوغ به زیبا تهمت می زند.

مجلس سوم: وزیر به سراغ خان رفته و طلب می کند به حساب تیمور برسد که قصد به ناموشش کرده. خان می پذیرد.

مجلس چهارم: تیمور به دیدن نسا می آید و نقشه فرار را به ان ها می گوید. وزیر می رسد و تیمور دوباره پشت پرده قایم می شود. نسا حلقه را نمی گیرد و خان را پس می زند. پری خانم مادر شعله و نسا به سراغ وزیر آمده و با حقه ای از جنس جادو قابلمه بر سر وزیر گذاشته تا تیمور فرار کند. خبر می رسد که خان مرده و تیمور خان خواهد شد! تیمور وزیر را می بخشد ولی منصبش را از او می گیرد تا به عدالت خدشهای وارد نشود.

### خرس فولدور باسان

در نمایش خرس فولدور باسان و یا خرس دزد/فکن ، پسر فقیر روستایی با نام بایرام عاشق دختری با نام پریزاد از طبقه بالا شده است، ولی قانون و مقررات نظام اجتماعی مانع ازدواج آنها می شود. در نهایت با تلاش پسر و پایداری دختر ازدواج صورت می گیرد.

پریزاد: پریزاد زنی عاشق است. هرچند قدم از حد خود فراتر گذاشته و عاشق پسری از طبقه‌ی پایین‌تر شده همچنان با احتیاط و احترام به وظایفش تصمیم می‌گیرد. به خاطر مهری که به مادرش دارد حاضر به فرار نمی‌شود. خود را به خاطر عشق فدا نمی‌کند و سرنوشت را می‌پذیرد. پریزاد شاید به تیپ زن عاشق نزدیک‌تر باشد و تفاوت او با شخصیتی مانند نسا (وزیر خان لنکران) مبرهن است. (در مجلس آخر که اوج تنش در آن دیده می‌شود پریزاد در اتاق است اما به جز یک بار دیالوگی نمی‌گوید. آن هم بله ایست که به بایرام می‌دهد وقتی او حقایق را فاش کرده.)

زلیخا: شخصیت زلیخا زنی مکار و زیرک است. اما این بار ویژگی‌های شخصیتی‌ای چون سودخواه بودن خودخواهی، و... به جای ویژگی مثبت، منفی طلقی می‌شوند و زلیخا هرچند به بایرام و پریزاد کمک می‌کند شخصیتی دوست نداشتنی طلقی می‌شود. (در نمایش به وضوح نشان داده شده که هدف زلیخا میل شخصی‌اش بوده و نه کمک به بایرام.) از آن سو در مجلس آخر دروغ بایرام و زلیخا به تاروردی مشخصا اشتباه گماشته شده. اشتباهی که برای بایرام از سر ناچاری سر زده اما برای زلیخا از سر خودخواهی.

اگر پریزاد و زلیخا را کنار شخصیت‌های نمایش وزیر خان لنکران بررسی کنیم می‌توانیم ببینیم اخوندزاده چطور از تیپ‌هایی که به شکل رایج شبیه زلیخا و پریزاد بودند شخصیت‌های زن وزیر خان لنکران را ساخته. مجلس ۱ بایرام و پریزاد همدیگر را دوست دارند اما به خاطر مرگ پدر پریزاد عمویش تصمیم گرفته او را به عقد پسرش تاروردی درآورد. بایرام تصمیم می‌گیرد از این اتفاق را جلوگیری کند. زلیخا همسر نماز، از دوستان تاروردی را راضی می‌کند تاروردی را به دزدی بکشاند. تاروردی به خاطر علاقه‌اش به پریزاد راضی می‌شود.

مجلس دوم: در تپه‌ای تاروردی و گروهش راهزنی می‌کنند و بایرام در حال شکار است. تاروردی به اشتباه دو صندوقی را می‌دزد که حاوی میمون و خرس است و سپس با خرس گلاویز می‌شود. کسی به او شک نمی‌کند و بایرام را زندانی می‌کنند.

مجلس سوم: پیش قاضی شاهی شهادت می‌دهد که کسی که صندوق‌ها را از او گرفته تاروردی‌ست و بایرام بی‌گناه است. اما بایرام حقیقت را فاش می‌کند. قاضی او و دختر را به هم می‌رساند و تاروردی را با گرفتن غرامتی می‌بخشد.

### وکلاء مرافعه

در نمایشنامه وکلای مرافعه سکینه خانم، وارث حقیقی برادرش، مرحوم حاجی غفور، است، اما اطرافیان او به کمک وکیل عدلیه سعی دارند او را از ارث محروم کنند. او دختر زرنگ و فهمیده‌ای است که به حقوق خویش واقف است و با ایستادگی و هشیاری و با کمک شهادت درست شاهدان به حق قانونی و ارثی خود می‌رسد. همچنین، سکینه خانم در بحث ازدواج اختیار زندگی‌اش را به دست می‌گیرد و به عمه پیرش که می‌خواهد او را به اجبار شوهر بدهد نه می‌گوید.

سکینه خانم: خواهر مرحوم، که نامزد عزیزبیک است در حال تلاش قانونی برای گرفتن ارث برادرش است و به نظرش زن صیغه‌ای او حق بر آن ندارد. از آن سو دوباره شاهد جبری برای ازدواج هستیم. سکینه خانم مستقیماً از حق آزادی انتخاب خود دفاع می‌کند و خود حسن را صدا کرده و پیشنهادش را رد می‌کند. نحوه‌ی گفتار سکینه به دور از خجالت و ادب است و رک و گاه حتی دستوری با اطرافیان رفتار می‌کند.

زیبده: عمه‌ی پیری است که به شکل فاحشی نماد تمام ایده‌های سنتی‌ایست که آخوندزاده علیه آن‌ها می‌ایسد. "خودت را خسته نکن. تو باید شوهر کنی و به هرکسی گرفت می‌دیم". زنی پیر که نماد عقاید کهنه است.

زینب: زینب نیز در این داستان به دنبال حق خودش است هرچند مقابل سکینه ایستاده. زینب مدعی می‌شود که با وجود زحمات و مالکیت چندساله‌اش در خانه‌ی شوهرش دلیلی ندارد که از ارث بهره‌ای نبرد.

مجلس اول: سکینه خانم تمایل به عروسی با عزیز دارد و از حسن که عمه اش قولش را به او داده خوشش نمی‌آید. با عمه اش صحبت کرده و پس از ناکامی، خودش به حسن می‌گوید او را نمی‌خواهد. با کمک کریم به سراغ سلمان وکیل رفته تا با زن صیغه‌ای برادرش برای ارث او مقابله کند.

مجلس دوم: مشخص می‌شود حرف‌هایی که کریم راجع به سلمان و مردان زده بود دروغ بوده  
اقا مردان نقشه دارد که پس از پیروزی زینب را به عقد خود درآورد که پولی که برده را هم صاحب شود. او زینب را راضی کرده که بگوید پسری داشته و به شاهدانی پول می‌دهد تا گفته‌اش را تایید کنند.  
مجلس سوم: در دادگاه شاهدین به وعده عمل نکرده و شهادت راستین می‌دهند و ارث به سکینه می‌رسد.

### موسی ژوردان

در این نمایشنامه شرف نسا خانم، که تحمل دوری نامزدش را ندارد، سعی می‌کند از سفر یک‌ساله‌ی او به پاریس جلوگیری کند. شرف نسا خانم: دختری عاشق است که تحمل دوری معشوق ان هم برای یک سال را ندارد. راه حلی جز گریه و دعوا و دست به دامان دیگری شدن پیدا نمی‌کند و در نهایت با توسل به جادو تصمیم می‌گیرد پاریس را نابود کند. ازادی زنان که در قالب نوع البسه‌های زنان غربی به او نمایان می‌شود برایش نه تنها جذاب بلکه تهدیدآمیز است. هرچند زنان و فرهنگ غرب را تهدید می‌کند، از مواجهه نامزدش با آنان می‌ترسد و احساس ناامنی می‌کند.

شهربانو خانم: شهربانو خانم مسئله دخترش را می‌شنود. با همسرش صحبت می‌کند. و سوگند می‌خورد به هر وسیله‌ای که شده از وقوع این سفر جلوگیری کند. مردان نمایش نیروی او را به سخره می‌گیرند اما در نهایت جادو پیروز می‌شود.

خان پری: خان پری تنها در مجلس آخر نمایان می‌شود. به جادو توصیه می‌کند و با تمام قلب به آن ایمان دارد. بیش از نگرانی برای موضوع شور و شغف برای مشاهده‌ی نتیجه‌ی جادو، و ارضای نفرتش از غرب دارد. "چرا انتخاب کنیم هر دو را نابود کن"

تقابلی می‌بینیم بین پسری ایرانی که به سمت مدرنیته حرکت می‌کند و دختری ایرانی که از وقوع آن می‌ترسد. در نهایت غرب ویران شده و قدرت و جادوی زنانه که توسط مردان تحقیر می‌شد پیروز می‌شود.

مجلس اول: شرف نسا خانم می‌خواهد می‌فهمد نامزدش قرار است همراه موسیو ژوردان. به پاریس برود. به همراه مادرش از پدر درخواست می‌کنند که این اجازه را به او ندهد.

مجلس دوم: مکالمه موسیو ژوردان با حاتم. او در نهایت به رفتن شهباز راضی شده. شهربانو اعلام می‌کند که اجازه نخواهد داد و با خنده‌ی حضار مواجه می‌شود.

مجلس سوم: شهربانو با خان پری سراغ جادوگری فرستاند تا از این سفر جلوگیری شود. شرف نسا با شهباز دعوا می‌کند.

مجلس چهارم:

جادوگر دو راه حل جلوی پایشان می‌گذارد (یا موسیو ژوردان کشته شود. یا پاریس خراب شود). آن‌ها هم به توصیه شرف نسا خانم خرابی پاریس را برمی‌گزینند. این واقعه منجر به لغو شدن سفر می‌شود. شهباز ابتدا عصبانی است اما سپس او را می‌بخشد. موسیو ژوردان به سمت خرابه‌های پاریس برمی‌گردد.

بررسی شخصیت‌های زن در آثار اخوندزاده

الف. حقوق اجتماعی زن

اندیشه‌های آخوندزاده درباره زن در چندین جهت قابل توجه است. یکی از مهم‌ترین افکار آخوندزاده درباره زنان آزادی و برابری زن با مرد در زمینه حقوق اجتماعی است. آخوندزاده بخشی از اندیشه‌های خود را درباره زنان در قالب نمایشنامه‌ها و داستان‌های خود بیان کرده است و ضمن توجه به داستان و نمایشنامه‌نویسی به مسایل زنان و مشکلات آنان در جوامع مسلمان پرداخته است. در واقع، نمایش‌نامه‌های او میدان جولان زن مدرن، زن رها از قیود سنت‌های فکری و دینی جامعه سنتی و عرضه‌کننده نقش مؤثر و اساسی او در تعیین سرنوشت خود است. در حقیقت، چنین زنی می‌تواند نقش بسیار مؤثر و سازنده‌ای را در جامعه ایفا کند. در نمایشنامه‌های اوست که انسان به تفکرات و نظراتش درباره زن مدرن پی می‌برد.

### ب. آزادی حجاب

از نوشته‌های آخوندزاده در این باره کاملاً پیداست که مخالف حجاب پذیرفته در جامعه اسلامی است. او می‌نویسد: “با نزول آیه حجاب نصف بنی‌نوع بشر را، که طایفه انثا است، الی مرور دهور به حبس ابدی انداخت.” آخوندزاده قائل به آزادی و حقوق برابر زن با مرد است، بنابراین حجاب را که مخالف آزادی زن است رد کرده و آن را مربوط به اوضاع و احوال جامعه عربستان و مسایلی می‌داند که در روابط میان پیامبر اسلام (ص) و همسرانش و اعراب پیش آمد.

شریعت چه حق دارد که طایفه انثا را به واسطه آیه حجاب به حبس ابدی انداخته مادام‌العمر بدبخت می‌کند، و از نعمت حیات محروم می‌سازد. و به واسطه حکم حجاب، در حرمخانه‌ها خدمت طایفه ذکور با آلت رجولیت جایز نشده، هرکس از ارباب استطاعت برای خدمت‌گزاری در حرمخانه‌ها لابد و ناچار طالب خرید خواجه‌ها می‌باشد؛ و بدین سبب شقی‌ترین مردمان برای منافع دنیویہ اطفال معصومه را از جنس بشر خواجه کرده در ممالک اسلامیہ می‌فروشدند. اگر آیه حجاب نازل نمی‌شد، همان اشقیا بدان عمل شنیع هرگز مرتکب نمی‌شدند، به علت اینکه از آن عمل دیگر حاصلی متصور نمی‌شد

### ج. الغای تعدد زوجات

آخوندزاده مخالف قانون تعدد زوجات است و اعتقاد دارد که این قانون می‌باید ملغی شود. از نظر او، قانون تعدد زوجات از رسوم زشت و ناپسندی است که ارتباط میان زن و شوهر را در جامعه اسلامی به صورت مالک و مملوکه درمی‌آورد که آن نیز خلاف عدالت و مساوات است. او معتقد است که دین اسلام بنا بر تقاضای عصر و اوضاع زمانه به پروتستانتیسم و تحول محتاج است. می‌نویسد: "پروتستانتیسم کامل موافق شروط پیشرفت و تمدن متضمن هر دو نوع آزادی و مساوات حقوقیه هر دو نوع بشر، تخفیف‌دهنده استبداد سلاطین مشرق در ضمن تعلیمات حکیمانه و مقرر وجوب سواد در کل افراد اسلام ذکوراً و اناثاً [است]." آدمیت درباره او می‌گوید که هدف اجتماعی آخوندزاده لیبرالیسم اجتماعی و پروتستانتیسم اسلامی است، زیرا پروتستانتیسم را موافق شرایط تمدن و متضمن آزادی و مساوات حقوقیه هر دو نوع بشر (زن و مرد) و همچنین باعث ایجاد تنظیمات حکیمانه و باعث برقراری فرصت آموختن سواد و دانش میان جنس زن و مرد می‌داند.

آخوندزاده نابرابری موجود میان زن و مرد و مسلمان و نامسلمان را ناشی از فقه اسلامی دانسته و اصولاً به قانون مجازات اسلامی سخت حمله می‌کند. به نظر او، این قوانین با روح نظام قانونی و دموکراسی غربی منافات دارد.

#### د. تعلیم و تربیت

نوشته‌های آخوندزاده درباره حقوق و آزادی زن و نشر فرهنگ و دانش و تغییر الفبای اسلامی و برانداختن پندارهای پوچ و تصمیم‌های غلط تأثیرات عمده‌ای در پیشرفت ملت‌های خاور نزدیک داشته است. آخوندزاده آموزش اجباری را لازمه دولت آزادی‌خواه می‌داند؛ نظام آموزشی‌ای که فارغ از جنسیت فرد در صدد تعلیم و تربیت باشد. او دولتی را آزاده‌خواه می‌داند که هدفش اعطای حقوق سیاسی و اجتماعی به زن و مرد و محترم شمردن این حقوق باشد. تأکید آخوندزاده بر مسئله آموزش و سواد از همه بیشتر است. اساساً معتقد است که قبل از ترویج علم و دانش میان مردم هر اقدامی برای پیشرفت و ترقی بی‌فایده است. از نظر او، به علت اینکه هرگونه تنظیمات و قوانین مبتنی بر علم است، دین اسلام باید پیش از ترویج و انتشار علوم در میان مردم برای وضع تنظیمات و قوانین جدید زحمت بی‌جا نکشد.

در تفکر آخوندزاده، نظام آموزشی سنتی زن را از آموزش محروم کرده و او را در جایگاه فرودست قرار داده است. به همین سبب، این نظام ناکارآمد و نارسا می‌بایست از میان می‌رفت و به جای آن نظام آموزشی مدرنی ایجاد می‌شد که زن و مرد را به صورتی برابر آموزش می‌داد..

---

#### دسته بندی زنان نمایشنامه‌ها

در این بخش شخصیت‌های زنان را با تیپ شخصیتی یونگ (مادر، معصوم، حکیم، جنگجو، جادوگر) و تیپ‌های شخصیتی اجتماعی (سنتی خانه‌دار، آگاه معترض، قربانی، اغواگر فریبنده) مقایسه و دسته بندی می‌کنیم. این دسته بندی شاید خالی از تحلیل و بررسی دقیق‌تر به خصوص کنار نمایشنامه‌های دوره‌های بعد چندان کمک‌کننده نباشد اما می‌تواند ایده‌ای از نوع استفاده‌ی آخوندزاده از شخصیت زن به ما بدهد

نام شخصیت نام نمایشنامه	تیپ ادبی	تیپ اجتماعی - تیپ یونگی
زیبا خانم وزیر خان لنکران	انتاگونیست ( هرچند داستان توسط او آغاز شده و حضور پررنگ تری در نیمه‌ی ابتدایی کتاب دارد به نظر می‌رسد شخصیتی که تماشاچی داستان‌ش را دنبال می‌کند شعله و یا نسا است)	زن سنتی خانه دار مادر
نسا خانم وزیر خان لنکران	قهرمان	زن آگاه معترض زن جنگجو
شعله خانم	قهرمان	زن اغواگر فریبنده

زن جادوگر و یا زن حکیم	(شاید بتوان گفت کنار نسا قهرمان وجود دارد زیرا هر دو هدفی یکسان و حتی در بخش‌های -مجلس سوم- دیالوگ‌های یکسان دارند)	سوگلی وزیر خواهر بزرگ نسا خانم	وزیر خان لنکران
	کاتالیزگر	مادر زن وزیر به همراه فرزند کوچک (نسا خانم) در قصر زندگی می‌کند.	پری خانم وزیر خان لنکران
در گذار میان زن سنتی و زن معترض	قهرمان: هرچند نمی‌توان گفت کنش‌های اساسی داستان توسط او به عمل می‌رسند. (از ویژگی‌های پروتاگونیست) می‌توان گفت شخصیت اصلی داستان است.)	دختر برادر مشهدی قربان معشوقه بایرام قرار است زن تاروردی بشود	پریزاد خرس قولدور بارسان

زن جادوگر زن اغواگر فریبنده	انتاگونیست	زن نماز بیک	زلیخا خرس قولدور بارسان
	شاهد خاموش	مادر شوهر پریزاد	صونا خرس قولدور باردان
	شاهد خاموش	همسر مشهدی قربان مادر تاروردی	خاتون خرس قولدور بارسان
زن جنگجو زن آگاه معترض	فهرمان، (یا ضدقهرمان)	خواهر مرحوم حاجی غفور ۱۸ ساله نامزد عزیزبیک	سکینه خانم وکلاء مرافعه
	شاهد خاموش	کنیز سکینه خانم	گل صباح وکلاء مرافعه
زن سنتی خانه‌دار و یا زن قربانی مادر	؟	عمه سکینه خانم	زیبده وکلاء مرافعه
می‌تواند معترض نامیده شود هرچند هنوز در	آنتاگونیست	خواهر عباس همسر حاجی غفور	زینب وکلاء مرافعه

میانه‌ی مسیر انفعال و دادخواهی ایستاده			
زن سنتی خانه‌دار(هرچند کم‌تر منفعل) زن معصوم	قه‌رمان، یا ضدقه‌رمان	دختر بزرگ حاتم خان نامزد شهبازیک	شرف نسا خانم موسیو ژوردان
	شاهد خاموش	دختر کوچک حاتم خان ۹ ساله	گل چهره موسیو ژوردان
زن سنتی خانه‌دار مادر	کاتالیزگر	زن حاتم خان ۴۵ ساله	شهربانو خانم موسیو ژوردان
زن اغواگرفربینده زن جادوگر	کاتالیزگر	دایه شرف نسا خانم	خان پری موسیو ژوردان

منابع

تمثيلات آخوندزاده

ایران مشروطی

درآمدی جامع بر نظریات فمینیستی

چند مقاله کوتاه

پیوست:

ریز جزئیات هر شخصیت زن در نمایشنامه‌ها

<p>ص ۳۸ ص ۴۴ مجلس اول (برای زن سوگولیت یقه دکمه طلا فرمایش می‌دادید... - حسادت نسبت به زن سوگلی، یواشکی گوش کردن، صحبت با تحقیر نسبت به دیگر زنان خواهر سوگلی و...، راحت خر نمی‌شه تهمت به زن کوچک - رابطه‌ی او با تیمور</p>	<p>زیبا خانم وزیر خان لنکران</p>
<p>ص ۵۱ مجلس دوم وارد اتاق شعله می‌شود صدای مرد شنیده و تمایل به پنهان شدن دارد ص ۵۲ از ترس شاط و شوط زیبا وزیر نتواند به اتاق شعله برود. نشان از مراقبت گری و حسادت زیبا در مواجهه با خشم وزیر: توضیح و دفاع از خود ص ۵۸ وزیر خشم شدید و واضحی دارد صحبت راجع وقایع به صورت پنهانی - «خلاف-فاسق-حیزی کردن پاسخ احساسی و دعوا اب شعله در مواجهه با تهمت</p>	
<p>مجلس دوم ص ۴۸ نسا پاسخ دهنده به سوالات تیمور است و از شرایط آگاه است</p>	<p>نسا خانم وزیر خان لنکران</p>

<p>نامزد وزیر بر حسب وظیفه اما عاشق تیمور.</p> <p>تمایل ندارد تیمور بر این نجات عمل کند زیرا برایش خطر دارد.</p> <hr/> <p>۷۳ نگران جدایی بین او تیمور</p> <p>۷۷ ظاهرا حرف‌های وزیر راجع به رعایت حیا و در حد و خان بودن بهش برخورد (البته مسئله حقیقیش تیموره)</p>	
<p>ص ۵۲ از ترس شاط و شوط زیبا وزیر نتواند به اتاق شعله برود. نشان از دید شعله نسبت به زیبا.</p> <p>[خاطرت جمع باشد وزیر امروز نمی‌تواند اینجا بیاید] هر چند زیبا تلاش بر محافظت و کشف می‌کند شعله با مکر از وقایع پیش رو آگاهی دارد</p> <p>ص ۵۳ [ ای بابا حالا وقت رفتن نیست بیا پشت پرده... ] در شرایط اضطرار موقعیت را همدل کرده- به دور از انفعال نحوه صحبت شعله با نسا ۵۴: با محبت و تکت اما به قصد گرفتن اطلاعات ( دو قصد دارد خلاف بر زیبا که با پرسش و به قصد پاسخ عمل می‌کند)</p> <p>در مواجهه با خشم وزیر که این بار آرام تر است چون نسبت به اوست: ۵۹ تهمت به زیبا و دروغ</p>	<p>شعله خانم</p> <p>وزیر خان لنکران</p>

<p>۶۰: صحبت راجع به وقایع به صورت واضح- معشوقه- حمام- تنها- خوشگذرانی...در تقابل با زیبا ۵۹ نگرانی برای تیمور نه برای زیبا ۶۲</p> <hr/> <p>کلا ارام و نانگران ۷۳ همراهی و تئصیه به تیمور ۷۵ ادامه دادن تهمت ۷۶ لوس بازی الکی برای این که شاه بره به سمت زیبا ۷۸ دیالوگ اخر تقدیر از مونولوگ تیمور</p>	
<p>در مجلس دوم مثلا ص ۵۱ می دانیم که مادر نباید مرد را ببیند و یا از مکالماتشان با خبر گردد</p> <hr/> <p>مجلس چهارم ص ۷۹ اولین حضور مهربان و محترم با وزیر دیالوگ صفحه ۷۹ یه جورایی می تونه تهدید باشه (به اندازه سر تو باید سمنو بپزم که دخترم پسر دار شه- تا من سر بر بدن دارم چطور؟) بادیه بزرگ بر سرش می ذاره برای اندازه گیری که تیمور از پشت پرده فرار کنه!</p>	<p>پری خانم وزیر خان لنکران</p>

<p>دیالوگ آخر تقدیر از مونولوگ تیمور</p> <p>استفاده از جادو به عنوان حقه نشان از ان باشد که از ان به</p> <p>عنوان ابزاری استفاده می کند نه حقیقتی محض</p> <p>واژگان فال و جادو و... رایج</p>	
--	--

<p>سرنوشت را پذیرفته</p> <p>دوباره فرار از ازدواج زوری</p> <p>به خاطر بایرام خود را نمی کشد و زن تاروردی می شود</p> <p>به خاطر مادر فرار نمی کند.</p> <p>وابسته به مسئولیت ۹۴</p> <p>مخالف با کشتن تاروردی</p> <p>بایرام را میزانی ترس می بوسد</p>	<p>پریزاد</p> <p>خرس قولدور بارسان</p>
<p>وقتی اونو در زندان می بینم تصمیم مرگ می گیرم</p> <p>در صحنه آخر حاضره ولی منفعله حقایق رو بایرام</p> <p>فاش می کنه</p>	
<p>از ماجرا خارج</p> <p>به خاطر رشوه بایرام پیشنهاد کمک را می پذیرد ۹۹</p> <p>از ایده اش تقدیر کرده</p>	<p>زلیخا</p> <p>خرس قولدور بارسان</p>

<p>همسرش را به خاطر فواید راضی می کند و خودش تمام کارها را انجام می دهد میکند ۱۰۲</p> <p>عذاب وجدان دارد یعنی بر عمل اشتباهش واقف است</p> <p>با نقش بازی کردن تاروردی را راضی می کند ۱۱۴ ۱۱۵</p>	
	<p>صونا</p> <p>خرس قولدور باردان</p>
	<p>خاتون</p> <p>خرس قولدور بارسان</p>
<p>ص ۲۵۱</p> <p>به دنبال گرفتن حقش از زن برادرش است</p> <p>می خواهد با عزیزبیگ عروسی کند</p> <p>رد و بدل نذر و دعا با کنیز برای ازدواج</p> <p>۲۵۶ من کی به تو اذن دادم...</p> <p>پولش برایش مهم نیست</p> <p>خودش سراغ اقا حسن رفته و به عزیز می گوید بچه است</p> <p>۳۶۳</p> <p>بی احترام و بالا به پایین با حسن حرف می زند ۲۶۳</p> <p>۳۶۴ هم خوابه - وکیل خود هستم</p>	<p>سکینه خانم</p> <p>وکلاء مرافعه</p>

<p>۲۷۵ گفتمان دستوری رایج</p> <p>با مشورت کریم سلمان را وکیل می کند</p> <p>نمی خواهد زن صیغه ی برادرش ارث برد</p>	
	<p>گل صباح</p> <p>وکلاء مرافعه</p>
<p>قول ازدواج سکینه را به تاجر داده بی اجازه ۲۵۵</p> <p>۲۵۶ ب "رای تو شوهر لازم است به هر که که دادند تو هم می روی "</p> <p>واژگان قباحث – خجالت</p> <p>" خیلی کس ها مثل شما نه خیر گفته اند اما اخر باز کردند "</p> <p>"تجارت و قوم اشنا مهمه براش</p> <p>فسم خوردم و نمی تونم پس بگیرم</p> <p>خودت را خسته نکن "</p>	<p>زیبده</p> <p>وکلاء مرافعه</p>
<p>هنگام خواستگاری از او مردان از عباس می پرسد نه خودش</p> <p>۲۸۱</p> <p>۲۸۳ به نظرش بر پول حق دارد</p> <p>زینب حاضر به دروغ نشده در ابتدا و سپس قانع می شود</p>	<p>زینب</p> <p>وکلاء مرافعه</p>

<p>گریه و انفعال</p> <p>۳۲۳ واژگان: فرنگ "خدا نابودشان کند و..."</p> <p>"پاریس دختران و عروسان رو بازند"</p> <p>۳۲۵ "پاریس که رفتی بخر سر آنها بکن"</p> <p>۳۲۷</p> <p>"دلم از جادو آرام شد" ۳۴۵</p> <p>حسادت شرف نسا ۳۴۶</p> <p>لحن تند ۳۴۸</p> <p>پاریسیها ۳۵۵</p> <p>"قسم که من کاری نکردم" ۳۶۸ و اشتی دادن خود با نامزد</p> <p>با دلبری</p>	<p>شرف نسا خانم</p> <p>موسیو ژوردان</p>
<p>آغازگر نمایش: چرا گریه می کنی</p>	<p>گل چهره</p> <p>موسیو ژوردان</p>
<p>"ز بچه به جان امدم" ۳۲۱</p> <p>ناخوشیت چیست</p> <p>شهباز را صدا کرده تا ببیند چه خبر است</p> <p>"جوانها می روند پی دزدی و دلگگی اگر زن نگیرند ۳۲۶"</p>	<p>شهربانو خانم</p> <p>موسیو ژوردان</p>

<p>۳۲۷</p> <p>"شهباز می خواهد پاریس رود با دختران سرباز بگردد ۳۴۰"</p> <p>جلوی همه می گوید جلوی شهباز را می گیرم و مسخره می شود (باکدام قراول) ۳۵۴</p> <p>۳۷۰</p>	
<p>۳۴۳ بفرست سراغ جادو</p> <p>۳۵۴ هردورا بکش</p> <p>۳۷۰</p>	<p>خان پری</p> <p>موسیو ژوردان</p>